

بقلم آقای مستشارالدوله (صادق)
رئیس سابق مجلس و کهن وزیر دوره مشروطه

چرا احزاب ایران بقاندارد

امر بمعروف و نهی از منکر

حزب هر چند وقت یکمرتبه صحبت از تشکیل
و حزب می‌رود و گاهی حزبی با یکی از اسامی
گروه متداوله می‌خواهد پا به عرصه سیاست بگذارد
و نمیتواند و هیچ اثری از خود بروز نداده منحل بلکه مضمحل می
گردد. علت این عدم موفقیت سستی بنیان ایمان است یعنی پایه اخلاقی
بهدی متزلزل است که تاب و تحمل اندکی از تکالیف بسیار اجتماعات
حزبی را ندارد خود پسندی بر افکار و اعمال ما چنان مستولی است که
در هر موضوع مساعی منحصرأ به پیش بردن مقصود و ترویج خیال شخص
بکار می‌رود و لوان مقصود نارسا و آن خیال خام باشد صرف نظر از صفات
و عادات غیر مرضیه دیگر که اخلاقیات ما را معیوب و معلول ساخته
است همین يك قفره کافیتست که تمایلات حزب سازی را از اعتبار و
اعتماد انداخته و هیچ حزبی قرین انتظام و دوام نگردد .

اثبات این مدعا را ذکر يك نمونه کوچک خالی از فایده نخواهد
بود: در میان اینهمه دستجات و احزاب که از اول مشروطیت تا امروز
طلوع و غروب کرده است یا راست تر بگوئیم روی کاغذ آمده و رفته
است چرا هیچکدام باندازه حزب توده که فعلا وارد میدان سیاست شده

است و انتظام و اثراتی از خود نشان میدهد نزعی نگرفته است؛ دلیل واضح اینکه حزب مزبور بطوری که از اسمش پیداست از جماعت کارگر و طبقات سوم و چهارم اهالی مملکت تشکیل یافته است چون این طبقه از مردمان بیغرض و داعیه و بالنسبه ساده ترکیب شده است بدون خود پسندی و اصرار در دخالت دادن عقیده و سلیقه خود صمیمانه تابع مقررات رؤسای خود هستند لهذا انتظام جمعیت محفوظ مانده آراء عقلا و روشنفکران حزب بسهولت پیش رفته منشاء اثر میگردد در صورتیکه در تشکیل احزاب دیگر چون سراغ روشن فکران خود خواه و دانانمایان پرداخته میروند بلای خود پسندی از همان جلسه اول تولید تشتت آراء و مشاجره نموده در جلسات دوم و سوم بر شدت خودافزوده نفاق و بی اعتمادی شروع و بسا رنجش و تفرقه خاتمه مییابد و حزب مفروض بوجود نیامده معدوم میگردد

پس از بیان این مقدمه مختصر که البته شرح و تفصیل آن در مبحث احزاب بنظر خوانندگان مجله خواهد رسید بالطبع این سؤال پیش میآید که چه باید کرد؟ از یکطرف از بدبختی است در مملکتی که از فشار مظالم و معایب استبداد تحت لوای مشروطیت پناه برده است اصلاح اوضاع آشفته با فکر و حکم یک نفر صورت پذیر نیست لابد در حکومت علی باید اسباب همان حکومت بکار برده شود از طرف دیگر بدلائل مقنعه و تجارب قریب نیم قرن ثابت شده است که سوء اخلاق در این کشور در همه رشته های حیاتی ریشه های قوی دوانده و مانع است که قوه محرکه چرخهای حکومت ملی یعنی احزاب سیاسی مطابق قواعد ثابتة تکلیف خود را انجام دهد بقای این احوال و اوضاع هم

کشور را خواهی نخواهی به قعر ضلالت و فلاکت میکشاند و البته متفکرین نمی توانند و نباید تماشاچی بیحرکت و متاسف این آشوب بمانند



لهذا با اعتقاد نگارنده عجالة چاره	امر معروف
عملی منحصر است باینکه صلاحی	و
قوم بدون طمطراق حذب	نهی از منکر
بخود بستن به تناسب سنخیت	

دانش و خلق و سلیقه هر چند نفر همت های خود را یکجا جمع کرده به ارشاد استاد بزرگ تمدن اسلامی ملتجی گشته دستور جامع و قاطعی را که در دو جمله مختصر (امر به معروف و نهی از منکر) امر فرموده است با رعایت مقتضیات تمدن امروز جهان حتی الامکان مورد آزمایش و عمل قرار دهند

اگر باوضاع واحوال آنوقت ساکنان جزیره العرب با دیده بصیرت بنگریم و اشد کفر و نفاق و طغیان فسق و فجور را که در آن زمان و مکن حکمفرما بوده تحت مطالعه قرار دهیم خواهیم دانست دردوره جهالتی که سنک ها را به میل خود تراشیده برای خود منشاء خیر و شر درست کرده مقدرات آلوده بانواع ردایل خود را از جماد بی اثر می جستند چه تدبیر سهل و عملی بوده است که مردم را با اسلحه تحسین و تقبیح و نصیحت و مذمت به ترویج نیک و منع بد مامور و مثل پولیس اخلاقی مراقب همدیگر سازند

چون در مدت ۱۴ قرن این امر سهل الاجرا و قوی الاثر باغفلت و اهمال مردم و با عوض شدن مقتضیات ازمنه از عمل افتاده تا اینک بالمره بطاق نسیان گذاشته شده است شاید خوانندگان مجله تعجب

کنند که برای رفع اینهمه معایب چاره که در نظر گرفته شده بسیار ضعیف است بآنان باید حق داد زیرا نه خود باین چاره دست زده اند و نه دیده و شنیده اند که کسی من باب آزمایش هم شده آنها مورد عمل قرار داده باشد تا ارزش و اثر آنها دیده و بسنجند بالخاصه چون در دوره های اخیر هر مختصر اقدام را با اثر باشد یا بی اثر با تشریفات و مخارج کزاف توأم ساخته اند این دستور ساده که هیچ خرج ندارد و نمی تواند جیب ها را پر کند البته خالی از اهمیت خواهند شناخت در حالتیکه همین ساده و بی تکلف و خرج بودن از بزرگترین محسنات و اسرار تاثیر آنست زیرا اگر خرج بردار می بود بمروور زمان وسیله دخل شده باب دیگر بر ارتشاه باز میشد

الفرض نگارنده جدا به فایده و تاثیر (امر بمعروف و نهی از منکر) معتقدم و يك دوبار هم با همراهی چند نفر از دوستان از آزمایشی که کرده ام نتیجه ماخوذه زیاد تر از انتظار بوده است

حال هم ایمان کامل دارم که اگر مردمان صحیح العمل با اشکال و ترتیبات مقتضی بدون عنوان حزب این دستور مقدس را پیروی نمایند موفق خواهند شد

بر فرض اگر نتوانستند نتیجه بگیرند چیزی نباخته اند مثل سایر تشبثات خیر خواهانه خواهد شد که اینهمه گفتند و حل نکشت مسائل

در اینجا برای رفع هرگونه شبهه لازم است تصریح شود که این موضوع نباید با تعبیرات عوامانه برضد ایجابات تمدن جهانی آلت فساد و چماق تکفیر گردد

در نزد عقلا اعمالی در درجه اول منکر و لازم الطرد است که در نظر متمدنین دنیا زشت و موهون است و برای جامعه ایرانی لکه جهالت

محسوب تواند شد مثل رشوه خواری، احتکار عدم توجه به شرایط بهداشت عمومی مثل (ملوث کردن مجاری آب، غفلت از پرستاری مرضای فقیر عدم نظیف معابر و غیره) افشای فسق و فجور بی مبالائی در حفظ امنیت عمومی، بی اعتنائی به حیوانج و آسایش زحمت کشان صحرا، غفلت از حال کسانیکه تقصیری جز طول خدمت و صحت عمل ندارند بالجمله این چند فقره از معایب برای نمونه ذکر شد که اذهاب بشیوع منکراتی که اوضاع فلاکت بار کنونی را ایجاد کرده است آشناسوند و طالبین بازار آشفته را بهانه خود سری بدست نیامده دفع فاسد بافتند رواج نیابد

صادق

هر چیز هو ضی دارد جز هم

گر نبود خنک مطلقا لگام
زد بتوان بر قدم خویش گام
ورنبود منشر به از زرناب
با دو کف دست توان خورد آب
ورنبود بر سرخوان آنو این
هم بشوان ساخت بنان جوین
ورنبود جا مه اطللس ترا
دلوق کهن سا تر تن بس ترا
شانه عاج ار نبود بهر ریش
شانه توان کرد با نگشت خویش
جمله که بینی همنه دارد عوض
وز عوضش گشته میسر غرض
آنچه ندارد عوض ای هوشیار
عمر عزیزست غنیمت شمار

شیخ بهائی